

رسائل العشاق و وسائل المشتاق

نسخه برگردان دستنویس شماره ۳۰۰۵

در کتابخانه اُمالی ترکیه، کتابت ۶۸۵ق



علی بن احمد سیفی نیشابوری

به کوشش



دکتر جواد بشری



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۸۰]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر ژاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفاپی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



رسائل العشاق و وسائل المشتاق

علی بن احمد سیفی نیشابوری



دکتر جواد بشری (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) به کوشش

گرافیسست، طراح و مجری جلد کاوه حسن بیگلر

دکتر نیلوفر عبداللہی استخراج نمایہ ہا

زینب نورپور جویباری حروفچینی و صفحہ آرایہ مقدمہ و نمایہ ہا

نسترن عرب صفحہ آرایہ نسخہ برگردان

کوثر لیتوگرافی

آزادہ چاپ متن

حقیقت صحافی

۱۱۰۰ تیراژ

بہار ۱۳۹۹ چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب، کوی لادن، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان ها

۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر احمد میر - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیأت مدیره) - ابراهیم ابراهیمی (نایب رئیس هیئت مدیره، معاون قضائی دیوان عالی کشور)
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - معصومه پاکراد (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با مایاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (موزخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوائز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوائز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

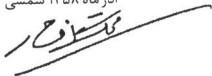
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایشی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زبان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته‌ی منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را دج کردن دروغی را نباید خرج کردن

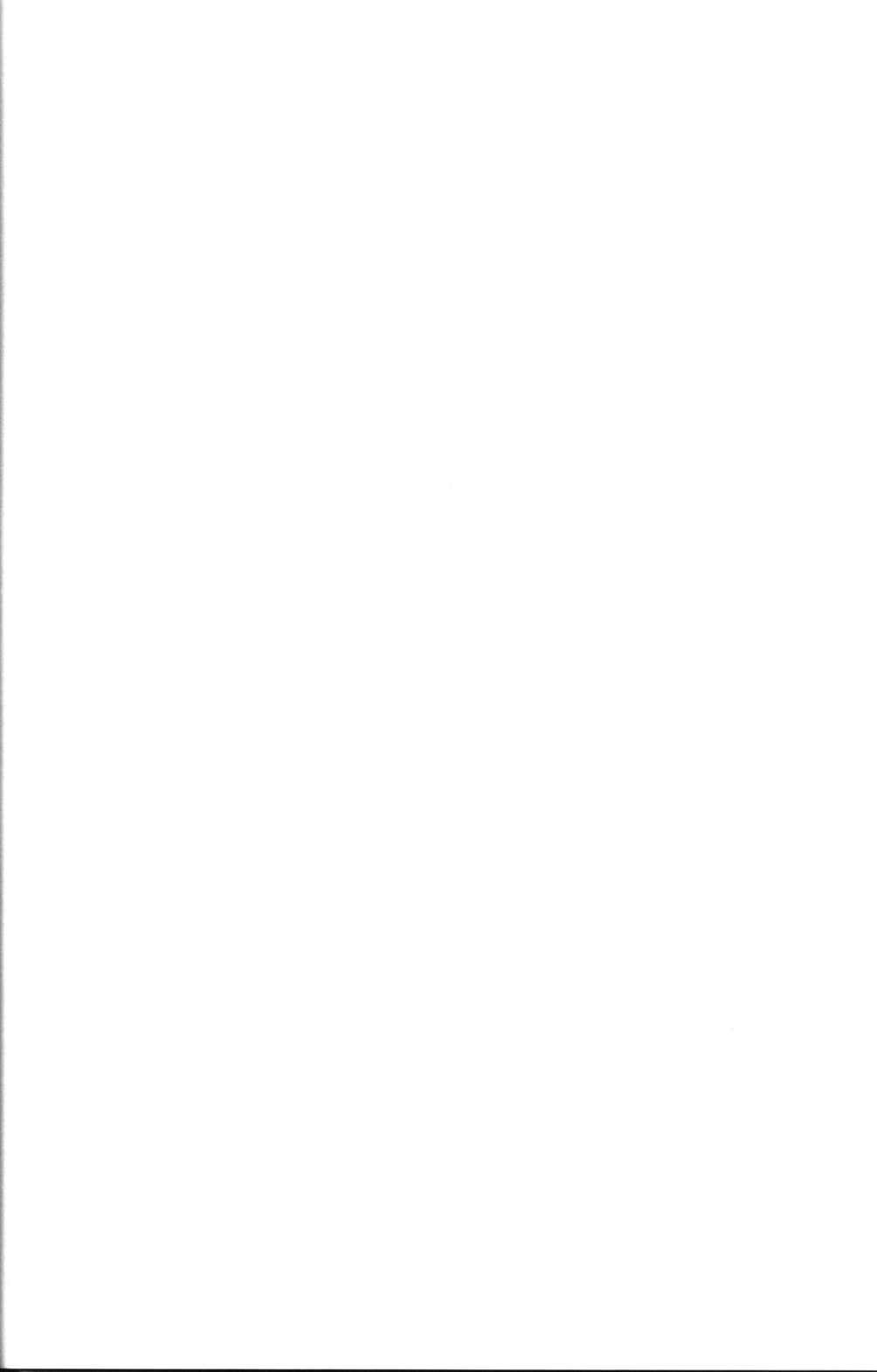
برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

مقدمه.....	پانزده
منابع مقدمه.....	بیست و سه
رسائل العشاق (متن نسخه برگردان).....	۱
فهرست اشخاص.....	۳۸۷
فهرست الفبایی ایات.....	۳۹۱



مقدمه

عرضه چاپ عکسی (نسخه‌برگردان) کتابی که احتمالاً «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» نام دارد و سیفی نیشابوری آن را در عهد سلاطین خوارزمشاهی پدید آورده، نتیجه بررسی‌هایی است که از اوایل دهه نود خورشیدی آغاز شد و با سفر به استانبول در آذرماه ۱۳۹۱ (دسامبر ۲۰۱۲م) و تهیه تصویر رنگی دستنویس کمترشناخته‌شده و یگانه آن از کتابخانه «آلمالی» به واسطه یکی از دوستان عزیز^۱ به شکل جدی دنبال گردید. این کتاب، علاوه بر ارزش‌های متعدد و متنوع آن، گنجینه‌ای از اشعار و سروده‌های کهن فارسی است که دلیل اصلی توجه نگارنده به آن، در واقع همین وجه بوده است. امید است در آینده بتوان در مطالعات شعرشناسی به این مأخذ کهن و کم‌نظیر - که آینه‌ای از وضعیت شعر فارسی در خراسان بزرگ پیش از هجمه مغولان به این خطه است - توجه بیشتری نشان داد و آن را از منظرهای

۱. دوست گرامی و هنرشناس، جناب ارطغرل ارتگین، زحمت تحصیل تصویر نسخه را در آن سفر متقبل شدند که در این جا به‌طور ویژه از ایشان سپاسگزاری می‌کنم. این دستنویس، گویا با سفارشی که در آن سال ثبت گردید، برای نخستین بار بود که تصویربرداری می‌شد. دوری محل نگهداری نسخه از مراکز اصلی تجمع نسخه‌های خطی در ترکیه، مانعی بود که به سبب آن کمتر کسی از ایرانیان و محققان حوزه ادب فارسی توانسته بود اصل دستنویس را از نزدیک ببیند و یا عکسی از آن فراهم آورد.

گوناگون، از جمله مطالعه در وضعیت ادب منظوم در ادواری چون سامانی، غزنوی اول^۱، سلجوقی^۲، غزنوی دوم و خوارزمشاهی، و همچنین مطالعات رباعی‌شناسی و جز آن، به‌دقت بررسی نمود. در این مقدمه کوتاه، لازم است درباره اصل کتاب و دستنویس واحد آن، یعنی همین نسخه مبنای چاپ عکسی، توضیحاتی کلی به دست داده شود.

نخستین بار عوفی بود که از این نگارش سیفی نیشابوری یاد کرد: «و تألیفی ساخته است به صد عشق‌نامه که عاشق به معشوق نویسد در معانی و احوال که میان عاشق و معشوق افتد، در غایت لطف آمده است و مقبول فضلا و پسندیده امانتست»^۳. هرچند او از عنوان دقیق اثر سخن نگفته، دستنویس واحد و معتبر و کهن این کتاب که در کتابخانه عمومی شهر آملی (بر اساس تلفظ رایج در آناتولی: Elmalı) در جنوب غربی ترکیه، به شماره ۳۰۵ نگهداری می‌شود (دستنویس حاضر)، عنوان «وسائل العشاق و وسائل المشتاق» بر پیشانی (برگ عنوان) خود دارد و احتمالاً نام صحیح اثر همین است. این نام، در واقع در یادداشت بیعی که در سوم ربیع‌الآخر ۷۲۹ق بر این برگ نوشته شده و عنوان اثر را هویدا می‌کند، آمده و تا به‌کنون کهن‌ترین سندی است که نام «وسائل العشاق و وسائل المشتاق» را برای این نگارش

۱. نگارنده در مقاله «برخی ابیات فارسی از سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری در چند مأخذ کهن» بر اساس همین منبع، به ابیاتی از «عسجدی» (ص ۱۳۴مقاله)، بیتی از منظومه مفقود «عین‌الحیات و شادبهر» از عنصری (ص ۱۳۵مقاله)، رباعی‌ای منسوب به فرخی سیستانی (ص ۱۳۶مقاله؛ نیز برای سایر ابیات فرخی در این منبع، رک: ص ۱۳۲مقاله) و یک رباعی از «زینبی» (ص ۱۳۶مقاله) پرداخت و آن‌ها را منتشر کرد.

۲. درباره اشعار «ابن طلحه» در این منبع و سایر منابع موجود، کتابشناسی کوتاهی فراهم آمده است که امیدوارم به‌زودی نشر آن میسر شود.

۳. لباب‌الالباب، صص ۳۵۹-۳۶۰. نیز رک: «سیفی نیشابوری»، ص ۷۶، ستون اول، س ۲۶، که عبارت «در قالب غزل» درباره این کتاب، بایستی اصلاح شود.

سیفی نیشابوری اثبات می‌کند. نخستین بار گویا استاد احمد آتش (۱۹۱۷-۱۹۶۶م) از این دستنویس بسیار نفیس در مقاله خود پیرامون برخی نسخه‌های نفیس موجود در منطقه آنتالیا - که در سال ۱۹۴۸م در مجله زبان و ادبیات ترکی دانشگاه استانبول منتشر شد - یاد کرد.^۱ توصیف آتش چندان مورد توجه قرار نگرفت و در نشریات دانشگاهی و آثار دانشوران ایران، تنها در برگردانی که مرحوم استاد خیام‌پور از آن عرضه نمود^۲، برای اولین و آخرین بار سخنی از این منبع پرارزش به میان آمد.

یکصد نامه عاشقانه در قالب یک آئین‌نامه یا «ترسل‌نامه» در این کتاب در کنار هم عرضه شده که فهرست آن‌ها را می‌توان در برگ‌های ۴الف - ۷ب نسخه (صص ۷-۱۴ از چاپ عکسی) مشاهده کرد. رقم کاتب در زمینه‌ای پوشیده‌شده از طلا نوشته شده است. اما از آنجا که این لایه، شاید به سبب جنس ترکیبات به کار رفته در آن، نسبت به سایر سطوح نسخه بیشتر فرسایش یافته، نام کامل کاتب در آن خوانده نمی‌شود و تنها می‌توان اطمینان یافت که او «محمود» نام داشته و «سمرقندی» نسبت بوده است (حدس احمد آتش در خوانش او از بخش آخر این نام: «الملقب بالحمید السمرقندی»). خوشبختانه، سال «خمس و ثمانین و ستمائه» (= ۶۸۵ق) نیز که سال اتمام کتابت نسخه است، در این بخش به وضوح دیده می‌شود و می‌توان با قیاس این تاریخ با مؤیداتی چون قرائن ظاهری نسخه‌پردازی و شیوه خوشنویسی دستنویس، به قطع و یقین آن را صحیح و سال ۶۸۵ق را زمان اتمام استنساخ دستنویس اعلام کرد. کاتب، این نسخه را در ۱۹۳ برگ، در قطع بیاضی (صحافی شده از عرض) و با ابعاد ۱۹/۷ در ۱۴ سانتیمتر، به خط نسخ خوشی که احتمالاً حرفه

1. Ahmed Ateş, 1948: 180- 183.

مقاله آتش بعدها در این منبع تجدید چاپ شد: *دراسات فیما تحتویہ مکتبات استانبول و الأناضول من المخطوطات العربیة*، ج ۳، صص ۶۹۱-۷۱۱.

۲. «نشریات ترکیه: چند کتاب خطی مهم فارسی در گوشه‌ای از آسیای صغیر»، صص ۱۶۷-۱۶۸.

کتابت را برای او اثبات می‌کند، با برخی تزئینات ارزشمند، از جمله نوشتن «بسم الله»های متعدّد و با هنرنمایی‌های خاص در این باره، فراهم آورده است.



بی‌مناسبت نیست تنها برای دو نمونه از ارزش‌های این منبع کهن در مطالعات شعرشناسی، به وجود نقل‌های متعدّدی از *خسرونامه*، و همچنین وجود بیتی از منظومه مفقود «شادبهر و عین‌الحیاء» یا شاید «عین‌الحیات و شادبهر» سرودهٔ عنصری در آن اشاره شود. نگارنده در سال‌های اخیر مطالبی دربارهٔ *خسرونامه* منسوب به عطار گرد آورده است. آنچه توجّه مرا بیش از پیش به این منظومه کهن عاشقانه جلب کرد، در واقع همین کتاب سیفی نیشابوری بود.^۱

۱. اولین اشاره به وجود اسنادی کهن دربارهٔ منظومهٔ *خسرونامه*، در قالب یک سخنرانی در نشستی در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی با عنوان «کشفی در حوزهٔ شناخت عطار» به تاریخ هشتم اسفند ۱۳۹۶، بر اساس این سند و نسخهٔ کهنی از *خسرونامه* از اواخر سدهٔ هفتم هجری که در کتابخانهٔ ملی پاریس نگهداری می‌شود و تاکنون در اغلب پژوهش‌های عطارشناسی و مطالعات مربوط به *خسرونامه* از آن غفلت شده بود، صورت گرفت (رک: <https://rtis2.ut.ac.ir/cv/j.bashary>).

امید است به‌زودی نتایج مطالعات مربوط به منظومهٔ منسوب به عطار، که احتمالاً فریدالدین عطار، مدّاح خوارزمشاهیان آن را پدید آورده، در قالب یادداشتی فراهم آید. اخیراً اوستین اومالی (Austin O'Malley) از دانشگاه آریزونا، تنها بر اساس دستنویس کهن *خسرونامه* کتابخانهٔ ملی پاریس، گفتاری پدید آورده و در آن بیان کرده که عطار نیشابوری عارف و صاحب *منطق‌الطیر* و جز آن، همان سرایندهٔ *خسرونامه* است. در حالی که سال‌ها پیش، استاد شفیع کدکنی به این اعتقاد رسیده بود که *خسرونامه* را بایستی از دایرهٔ منظومه‌های عطار عارف خارج کرد. برای بررسی همهٔ مستندات موجود و روشن شدن این بحث، لازم است نخست به جزئیات نوشتهٔ اومالی توجّه کنیم (رک: ترجمهٔ نوشتهٔ او، در دست تکمیل، احتمالاً برای چاپ در: *مجلهٔ آینهٔ پژوهش*، برگردان صاحب این قلم)، و سپس با در نظر گرفتن سند بسیار کهنی چون *رسائل العشاق* سیفی -که قدیم‌ترین مکتوبی است که در آن به *خسرونامه* اشاره و ابیات متعدّدی از آن نقل شده است- بکوشیم تا معقول‌ترین موضع را در این باب اتخاذ نماییم.

اما درباره بیت منظومه مفقود عنصری در این منبع، باید اشاره کرد که ذیل نامه ۳۸، بیتی ارزشمند از مثنوی بزمی و عاشقانه عنصری نقل شده است. پیش از هر چیز، بیت مورد گفتگو و توضیحات سیفی درباره آن: «و هم برین شیوه است آن یک بیت کی در قصه عین الحیات و شادبهر، افضل الشعرا عنصری گوید:

این حدیث سکندر رومیست که حریصی نشان محرومیست^۱
(رسائل العشاق، ۹۰ ب).

این بیت عنصری، حائز اهمیتی چندگانه است. بنا بر نظر مولوی محمدشفیع، بیتی از عنصری که در لغت فرس حاوی نام «شادبهر» است^۲، می تواند متعلق به منظومه شادبهر و عین الحیاة از این شاعر دانسته شود^۳. محمدشفیع بر این اساس، وزن منظومه عنصری را حدس زده و ابیات فراوانی را که در لغت فرس در همین وزن و قافیه آمده، متعلق به منظومه مزبور دانسته است^۴. آنچه اینک اهمیت دارد و بر اساس منبع تازه یاب حاضر، یعنی رسائل العشاق سیفی نیشابوری، به دست می آید، یکی خود وجود بیت دیگری از این منظومه عنصری است که از اهمیت ویژه برخوردار است. دیگر آن که وزن منظومه عنصری کاملاً روشن می شود و حدس پیشین درباره تعلق ابیات موجود در لغت فرس به منظومه عنصری، اینک با قطعیت بیشتری و بر مبنای یک سند کاملاً موثق تأیید می گردد. وجه اهمیت دیگر این فقره، درباب عنوان منظومه عنصری است که عوفی از آن به صورت شادبهر و عین الحیاة یاد کرده^۵، ولی در کتاب سیفی به شکل عین الحیات و شادبهر آمده است.

۱. اصل: محرومی است.

۲. کتاب لغت فرس، ص ۴۴۹؛ دیوان عنصری بلخی، ص ۳۶۶.

۳. مقدمه بر: مثنوی و امق و عذرا، ص ۵.

۴. همان، ص ۵. نیز رک: سخن و سخنوران، ص ۱۱۶.

۵. لباب الالباب، ص ۲۶۹.

می‌دانیم اصل داستانی که مبنای این منظومه قرار گرفته، در اختیار ابوریحان بیرونی نیز بوده و او آن را با عنوان «حدیث قسیم‌السرور و عین‌الحیة» ترجمه کرده است.^۱ محمدشفیع به حدس و گمان، ریشه داستان را یونانی دانسته^۲، اما طبق نظر حبیبی در پانویسش بر کتاب احمد سعیدخان، داستان حاضر مربوط به کابلشاهان است و عین‌الحیة نیز ترجمه سامنته دیوه یا سامند (در افغانستان کنونی: سمنده‌خان) است.^۳ در منابع کهن فارسی، یک بار به زمان وقوع این داستان در *مجمل‌التواریخ و القصص* اشاره رفته است: «و اندر آخر عهدش [عهد بهمن، نوه گشتاسب] در زمین بربر و ماچین، قصه شادبهر و عین‌الحیة بودست»^۴؛ و بار دیگر در *اسکندرنامه*، از آثار قدیم داستانی فارسی به نثر، از شهرت زایدالوصف این قصه و منظومه عنصری سخن به میان آمده است.^۵ مطلب دیگر که البته درباره آن قطعیتی وجود ندارد و نیازمند تأمل بیشتری است، پرسشی است که اینک می‌توان آن را مطرح کرد. در بیت نویافته جدید، با گفتاری حکیمانه از «سکندر رومی» روبرو هستیم. آیا این استناد به گفته‌های اسکندر، تعلق محل وقوع داستان و ریشه آن را به روم، و نه قلمرو کابلشاهان، تأیید نمی‌کند؟ حدسی که محمدشفیع نخستین بار آن را بیان کرده بود. به هر حال، درباب شهرت این منظومه و دستیاب بودن دستنویس‌های آن در خراسان در قرن ششم هجری، پیش از این، اطلاع مفید پردازنده *اسکندرنامه* مثنوی فارسی ناظر بر شهرت داستان مزبور و احتمالاً معروف بودن نظم عنصری از آن، گذشت. اکنون یافت‌شدن

۱. فهرست کتابهای رازی و نامهای کتابهای بیرونی، ص ۳۵؛ کتابشناسی ابوریحان بیرونی، صص ۷۳-۷۴.

۲. کارنامه بیرونی، ص ۴۹.

۳. مقدمه بر: مثنوی و امق و عذرا، ص ۵.

۴. کتابشناسی ابوریحان بیرونی، صص ۷۳-۷۴.

۵. *مجمل‌التواریخ و القصص*، ص ۹۲.

۶. *اسکندرنامه*، صص ۴۳۰-۴۳۱. نیز رک: سخن و سخنوران، صص ۱۱۶-۱۱۷.

نقلی از آن در منبعی از اواخر قرن ششم هجری، یعنی رسائل العشاق سیفی نیشابوری، شاید بتواند نشان دهد که منظومهٔ عنصری گویا تا نیمهٔ دوم سدهٔ ششم هجری موجود و نسخه‌های آن در خراسان، دست‌کم برای اهالی شعر و ادب، دستیاب بوده است.



در پایان ضمن تشکر مجدد از دوست عزیز، جناب آقای ارتگین برای فراهم آوردن تصویر واضح دستنویس، از صدیق دانشمند و بزرگوارم دکتر محمد افشین‌وفایی که مقدمات چاپ اثر را فراهم آورد، قلباً سپاسگزاری می‌کنم. به یاری او و توسط عزیزانی در مجموعهٔ «بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار»، دو نمایه برای کتاب تهیه شد که استفاده از آن را تسهیل می‌کند. همچنین سرکار خانم نسترن عرب، با صبر و حوصله، تمام صفحات کتاب را از روی تصویر خام دستنویس برش زد و با دقت آن‌ها را شماره‌گذاری کرد. سرکار خانم زینب نورپور نیز زحمت حروفچینی نمایه‌ها، و صفحه‌آرایی بخش‌های حروفی کتاب را تقبل فرمود. ممنون لطف این هر دو گرامی هم هستم.

جواد بشری

بهمن ۱۳۹۸